

گدایی دزدهای شیشه‌ای پشت چراغ قرمز



سارقان شیشه‌ای که در پوشش تکدی‌گری و دستفروشی از رانندگان پشت چراغ قرمز و عابران سرعت می‌گردند، توسط یکمی از مالباختگان شناسایی شدند.

به گزارش خبرنگار ما، شسام مرداد امسال مردی با مراجعه به پایگاه دوم پلیس آگاهی در شکایتی به مأموران گفت: چند روز قبل در خیابان ای‌تالله کاشانی سوار ماشینم پشت چراغ قرمز ایستاده بودم که مردی به پهانه گدایی به من نزدیک شد و در یک لحظه دستش را به سمت گوشی تلفن همراهم که جلوی فرمان گذاشته بودم دراز کرد و آن را برداشت. بعد هم با سرعت فرار کرد تا اینکه امشب اتفاقی دوباره او را در سر چهارراه دیدم.

کارآگاهان پس از اظهارات مالباخته به همان خیابانی که باتوق سارق بود، رفتند و موفق شدند او را دستگیر کنند.

پس از دستگیری متهم، مأموران با بررسی سرقت‌های مشابه، دهها مالباخته‌دیگر را در شهرک غرب، ستارخان، سعادت‌آباد، اشرفی اصفهانی و ای‌تالله کاشانی شناسایی کردند. مالباختگان پس از شناسایی متهم در اظهارات مشابهی گفتند سارق به پهانه تکدی‌گری و دستفروشی به خودروهای آنها نزدیک شده و کیف یا گوشی‌هایی که روی صندلی و داشبورد بود در یک چشم به هم زدن سرقت کرده است.

محراب - ۲۵ساله که از مجرمان سابقه‌دار است و به مصرف شدید شیشه نیز اعتیاد دارد، در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: حدود شش ماه است که با همدستم هادی به این شیوه سرقت می‌کردیم گاهی اوقات هم با موتورهای هادی از عابران کیف‌هایی و گردنبندهایی هم می‌کردیم. پس از اعترافات متهم متحقیگاه هادی همدست او نیز در مهرآباد جنوبی شناسایی و بدین ترتیب او هم دستگیر شد.

سرهنگ کارآگاه افشار احسانی فر رئیس پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران با اشاره به شناسایی دهها مالباخته دیگر که موفق به شناسایی هر دو متهم شده‌اند، گفت: متهمان با قرار قانونی برای تکمیل پرونده و شناسایی دیگر جرائم از تکابیی همچنان در اختیار کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌اند.

مصدومیت مراجعه کنندگان بانک زیر آواد غیراصولی



ساختمان بانک مهر اقتصاد در خیابان امام سمنان، به علت گودبرداری غیراصولی زمین همسایه

ریزش کرد و چهار مصدوم بر جای گذاشت.
این حادثه ساعت ۹ دپرویز اتفاق افتاد و بر اثر آن بخشی از ساختمان شهریه بانک ریزش کرد که در جریان آن یک زن و سه مرد که از مراجعان بانک بودند، مصدوم شدند. لحظاتی بعد از حادثه امدادگران در محل حاضر شدند و مصدومان را به بیمارستان منتقل کردند.

خارج از مدار

مرد امریکایی ۳بچه‌اش را کشت

مرد امریکایی بعد از مشاجره با همسرش سه کودک خود را به ضرب گلوله به قتل رساند و سپس خودکشی کرد.

چند روز قبل یکی در ایالت فلوریدا در حالی که به خانه همسایه‌اش گریخته بود به پلیس خبر داد شوهرش قصد کشتن او را دارد. لحظاتی بعد از برقرار کردن تماس بود که این زن متوجه صدای شلیک گلوله از داخل خانه‌اش شد. او زمانی که خود را به خانه‌اش رساند با اجساد سه کودکش در حالی که با شلیک گلوله کشته شده بودند، مواجه شد. او همچنین متوجه شد شوهرش با شلیک گلوله خودکشی کرده است. پس از آن بود که مأموران پلیس در محل حاضر شدند. تحقیقات در این باره ادامه دارد.

تلاش برای دوختن لب‌های دختر خوانده

زن امریکایی در حالی که تلاش می‌کرد لب‌های دختر خوانده‌اش را بسوزد، بازداشت شد.

چند روز قبل دختر ۱۶ ساله‌ی مأموران پلیس در ایالت پنسیلوانیا را از ماجرا با خبر کرد. او گفت: مادر خوانده‌ام تلاش می‌کرد لب‌هایم را با سوزن بسوزد. همچنین تهدید کرده بود که چشم‌هایم را از حدقه خارج می‌کند. بعد از طرح شکایت، مأموران این زن را به اتهام تلاش برای به خطر انداختن جان دختر نوجوان با‌داشت کردند.

قاچاقچی شیشه‌وقتی متوجه شد

زن شهرستانی برای تهیه مواد گاو و گوسفندهایش را فروخته،

به جای مواد به او شکر داد.

به گزارش خبرنگار ما، ششماه جمعه ۱۱مهر ماه زن جوانی به کلانتری ۱۶۱ ابوذر رفت و مدعی شد مرد موتورسواری کیفش را سرقت کرده است. شاکي در توضیح ماجرا گفت: من اهل یکی از شهرستان‌های شمال کشور هستم. چند سال قبل با مرد جوانی ازدواج کردم و او مرا به مخدر شیشه معتاد کرد تا اینکه مدتی قبل از او جدا شدم و اعتیادم را ترک کردم. پس از این با مرد دیگری به نام شهپاز ازدواج کردم. چند روز قبل من و شوهرم گاو و گوسفندهای پدرم را ۱۲ میلیون تومان بود فروختم و راهی تهران شدیم تا با پول آن پوشاک بخریم و در شمال بفروشیم.

امروز برای دیدن یکی از بستگانم به محله فلاح آمدیم که ناگهان مرد موتورسواری یکم را که ۱۲ میلیون تومان داخلش بود، سرقت کرد. البته من سارق را می‌شناسم، او پسری به نام شهرام است که در محله فلاح سر چهارراه دیدم.

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی هاشمیان برای دستگیری مرد سارق در اختیار کارآگاهان پایگاه ۸ پلیس آگاهی قرار گرفت. نتحسین تحقیقات مأموران نشان داد شاکي در محله فلاح بستگان نزدیک ندارد، اما معلوم شد چند روزی است در این محله

با افراد خلافکار و خرده‌فروش مواد مخدر ملاقات کرده است.

بنابراین مأموران به حرف‌های او مشکوک شدند و در مورد ادعای وی دست به تحقیق زدند. در شاخه‌ای دیگر از بررسی‌ها معلوم شد شهرام، یکی از خرده‌فروش‌های مواد مخدر فلاح فلاح است، بنابراین شهرام را به عنوان مظنون شناسایی و دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها با تناقض‌گویی قصد فریب پلیس را داشت اما وقتی با مدارک روبه‌رو شد به جرمش اعتراف کرد.

وی گفت: چند روز قبل که دستفروشی می‌کردم، زوج جوانی را در محله فلاح دیدم. زن جوان مدعی شد مرا که در کار قاچاق شیشه هستم می‌شناسد و گفت قصد دارد به اندازه ۱۲ میلیون تومان پولی که همراهش است مواد بخرد تا آن را در شهرستان بفروشد. ابتدا حرف‌هایش را باور نکردم اما بعد از کمی تحقیق فهمیدم که با خودشان پول زیادی دارند. بعد از توافق بر سر قیمت، زن جوان ۴میلیون تومان به من داد و قرار شد من به آنها شیشه بدهم. از آنجایی که من این مقدار شیشه نداشتم، آنها را به خانم‌ام دعوت کردم و به جای شیشه چند کیلو شکر

فروختم. روز بعد وقتی زن جوان فهمید که من به جای شیشه به او شکر فروخته‌ام، به در خانم‌ام آمد و خواست پول او را بدهم اما من قبول نکردم و با داد و بیداد آنها را ترساندم تا اینکه در اداره پلیس از من به جرم کیف‌دزدی شکایت کردند. مأموران پلیس در گام بعد زوج جوان را بازداشت

حجوادا

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

فروختن گاو و گوسفند برای خرید شیشه

و از آنها تحقیق کردند. در حالی که زن جوان بر ادعای قبلی خود اصرار داشت، مرد جوان گفت: چند روز قبل از اینکه به تهران بیایم، همسرم تمام گاو و گوسفندهای پدرش را فروخت و از من خواست برای خرید شیشه از تهران همراهش بیایم. او همیشه در ازروی پول‌های باد آورده بود و می‌گفت که با خرید و فروش شیشه به معتادان به زودی پولدار می‌شوم و من هم فریب خوردم و همراهش شدم. وقتی به تهران آمدم با تعدادی از معتادان حرف زد و معتادان درس محله فلاح را دادند. ما در منطقه فلاح با پرس و جوا معتادان به مرد دستفروشی معرفی شدیم.

مرد دستفروش مدعی شد که با یکی از قاچاقچیان مواد مخدر که لاابراتوار تولید شیشه دارد، آشناست و می‌تواند به قیمت مناسب برای ما شیشه بخرد. او ما را با حرف‌هایش خام کرد و زخم هر چندر پول داشت به او داد تا شیشه تحویل بگیرد. مرد قاچاقچی چند کیلو شیشه به ما داد و ما هم با خودشالی تحویل گرفتیم و از او خداحافظی کردیم به این امید که با فروش آن در شمال پولدار شویم اما وقتی در خانه یکی از اقوام مقداری از آن را زخم تست کرد، متوجه شد که مرد قاچاقچی به جای شیشه به او شکر فروخته است. بلافاصله به ما داد و او آمدم و خواستیم پول ما را بدهد اما او ما را تهدید کرد و پول ما را نداد. تحقیقات به دستور قاضی هاشمیان درباره این پرونده ادامه دارد.

متهم به قتل ۴عضو یک خانواده محاکمه شد

دست‌و پایش را بستیم و ۱۶میلیون تومان پولی را که همراهش بود، سرقت کردیم. بعد از آن با تهدید خواستیم ۶میلیون دیگر هم بدهد که با برادرش تماس گرفت و پول را واریز کرد. بعد از گرفتن پول او را خفه کردیم و جسدش را داخل چاه انداختیم. چون می‌دانستیم همسر و فرزندانش از ماجرا با خبر هستند به زنجان رفتیم. به سرش گفتم مرئی مرا به دنبالت فرستاده و خواستم به بیچار برویم. او هم اعتماد کرد و همراه پسران هشت ساله‌اش دنبال ما آمد. سپس آنها را به همان باغ منتقل کردیم. در فرصت مناسب همسرش را خفه کردم و جسد را داخل همان چاه انداختم و پول را با شرکایم تقسیم کردم. بعد از آن چپه‌ها را در صندوق عقب زدنای و به طرف تهران حرکت کردم تا اینکه متوجه شدم آنها فوت شده‌اند به خاطر همعمل میباشند. روز گزدهم و فرزندانش را کتار جاده‌ها کردم و گریختم. با اقرار متهم، همدستان وی هم بازداشت شدند و در بازجویی‌ها حرف‌های متهم را تأیید کردند. روز گذشته آخرین جلسه رسیدگی به پرونده در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد.

ابتدای جلسه، نماینده دادستان تهران در جایگاه قرار گرفت و برای اصغر به اتهام مباشرت در چهار فقره قتل و سه همدست او به اتهام شرکت در آدم‌ربایی در خواست مجازات کرد. سپس اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و گفتند که خواسته‌شان قصاص متهم است. در ادامه اصغر در جایگاه قرار گرفت و اتهام‌های خودش را انکار کرد. او با طرح ادعا گفت: روز حادثه قول بود به بیچار برویم و برای خرید عتیقه‌ها می‌رویم. وقتی به زنجان رسیدیم، آن زن و بچه‌هایش را در مهمانخانه‌ی گذاشت و به طرف بیچار



وقتی حرف‌هایم را شنید، قبول کرد و با همسر و فرزندانش آمد. وقتی به زنجان رسیدیم همسر و فرزندانش را در مسافرخانه‌ای گذاشت و به طرف بیچار حرکت کردیم. قبل از آن نقشه قتل او را با سه نفر مطرح کردم، به او شلیک

همین وقتی به محل قرار مان که یک باغ بود رسیدیم،

زوج صیغه‌ای

حرف‌های هم را منکر شدند

زوج صیغه‌ای که متهم هستند دو سال قبل، مرد

آشنایی را پشت چراغ قرمز به قتل رسانده‌اند

در جلسه دادگاه، حرف‌های هم را انکار کردند.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۶ تیرماه سال ۹۱ مأموران کلانتری باغ‌بغ بعد از اطلاع از یک حادثه تیراندازی در محل حاضر و متوجه شدند مرد جوانی کشته شده و مردم زنی را که در ماجرا نقش داشت، بازداشت کرده‌اند. شاهدان همچنین گفتند عامل تیراندازی مرد جوانی بود که از محل گریخته است. پس از آن بود که زنی ۲۴ساله بازداشت شد. او خود را شیدا معرفی کرد و گفت مقول سبری به نام میلاد بود که به دست شوهر صیغه‌ای‌اش کشته شد. شیدا توضیح داد: مدتی قبل با میلاد آشنا شدم تا اینکه ارتباطم را قطع کردم و با ایمان آشنا شدم.

بعد از مدتی صیغه او شدم و از وضعیتی که داشتم راضی بودم تا اینکه میلاد تماس گرفت و گاهی با هم حرف می‌دیم. روز حادثه میلاد اصرار کرد یکدیگر را ملاقات کنیم. من هم قبول کردم و با خودروی خودم به محلی که قرار داشتیم، رفتم و او را سوار کردم. لحظاتی بعد در حالی که پشت چراغ قرمز توقف کرده بودم، ناگهان شوهرم در عقب‌ر باز کرد و سوار شد. او به حضور میلاد اعتراض کرد و با هم درگیر شدند. بعد هم اسلحه کشید و گلوله‌ای به میلاد شلیک کرد. میلاد در حالی که مجروح شده بود پیاده شد و شروع به دودین کرد. شوهرم نیز پیاده شد و او را دنبال کرد تا اینکه میلاد کمی جلوتر روی زمین افتاد و شوهرم گریخت.

بعد از اقرارهای زن جوان و در حالی که تلاش‌ها برای بازداشت متهم ادامه داشت، او خودش را به پلیس تسلیم کرد. من جوان اتهام خودش را قبول کرد و گفت: مدتی قبل با شیدا آشنا شدم و قرار شد با هم ازدواج کنیم، اما خانواده او مخالفت کردند. به خاطر همین شیدا را عقد یکساله کردم تا اینکه متوجه تماس‌های مشکوک او شدم. مطمئن شدم که با کسی رابطه دارم. روز حادثه وقتی تماس‌هایش را بررسی کردم، فهمیدم که با یک نفر قرار ملاقات دارد. به پهانه رفتن سر کار اسلحه‌ای را که از قبل خریده بودم، برداشتم و خانه را ترک کردم.

سه زن و دختر که در جریان حوادث

اسیدپاشی اصفهان دچار جراحات

شده‌اند، ماجرا را شرح دادند.

یکی از قربانیان حادثه دختری ۲۷ساله به نام ندا است. پدر او در توضیح ماجرا به ایسنا گفت: دخترم روز چهارشنبه ۱۶مهرام در حوالی میدان بزرگمهر هدف اسیدپاشی قرار گرفت. دخترم در حالی که خودرواش را کتار خیابان متوقف کرده و مشغول حرف زدن با تلفن همراهش بود، از سوی دو سرنشین یک موتور هدف اسیدپاشی قرار گرفت. او آن لحظه با مادرش در حال حرف زدن بود که مادرش صدای سوختم سسوختم را از پشت گوشی می‌شنود. ندا اکنون از ناحیه چشم، گوش دیده، گردن، دست و پاها به شدت آسیب دیده است. دخترم باید چهار مرحله عمل شود، هر چند پزشکان از یک چشم او اکاملاً ناامید شده‌اند و چشم دیگری ۳۰-۲۰ درصد شانس بینایی دارد. تاکنون او را پیش چندین پزشک برده‌ایم تا شاید رسیدگی کنند.

جشن تولد ناتمام

مریم قربانی دیگری که هدف اسیدپاشی قرار گرفته در توضیح ماجرا گفت: تولد پسرم سوراخ شده و هنوز شوک هستم که حظور یک نفر با انسان این کار را می‌کند؟ آیا او هم انسان است؟!

در راه دندانپزشکی

هساراق ۲۵ساله و متاهل، چهارشنبه گذشته

(۲۳مهرماه) هنگام رفتن به دندانپزشکی و

پارک خودرواش در حوالی خیابان مهر هاد

اصفهان از نسوی مهاجمان ناشناسی هدف

اسیدپاشی قرار می‌گیرد. «علی-ع» همسر

او در خصوص شب حادثه می‌گوید: حادثه

حدود ساعت ۶بعد از ظهر اتفاق افتاده است،

سارا مهاجمان را ندیده‌اما احتمالاً موتورسواری

بوده‌اند. مرد جوان که به نظر هنوز شوکه است،

ادامه می‌دهد: سارا در بخش مراقبت‌های ویژه

بستری از ناحیه چشم چپ دچار آسیب جدی

است. بینایی او کاهش یافته و پزشکان برای

بررسی اسیدپاشی باید تا زمان از بین رفتن التهاب

چشم منتظر بمانند



سرقت با آمبیوه مسموم

مرد سالخورده‌ای که متهم است بعد از فریب سوزن‌هایش در پارک شهر تهران،

آنها را با آمبیوه مسموم و اموالشان را

سرقت می‌کرد، ادعا می‌کند خودش

به همین شیوه قربانی سارق شده بود.

به گزارش خبرنگار ما، بیست و هشتم تیر ماه

مردی مأموران کلانتری بازار را از سرقت تمام

مدارک و وسایلی که همراهش بود با خبر کرد.

او در توضیح ماجرا به مأموران گفت: دپروز به

باغ پرندگان داخل پارک شهر رفته بودم که

مرد مسائلی کنار من نشست و درباره گرمی

هوا شروع به صحبت کرد. بعد از چند دقیقه

از جایش بلند شد و با دو نوشیدنی برگشت و

یکی از آنها را به من داد و دوباره کنارم نشست.

همین که آمبیومار را خوردم، او هم خداحافظی

کرد و رفت.

بعد از آن دیگر متوجه چیزی نشدم. وقتی به

هوش آمدم، دیدم روی تخت بیمارستانم. آنجا

بود که متوجه شدم همه یک میلیون و ۴۰۰ هزار

تومان، گوشی تلفن همراه و دو انگشتر فیروزه‌ای

که همراهم بود، سرقت شده است.

پس از اظهارات مالباخته، تحقیقات برای شناسایی سارق آغاز شد تا اینکه هفدهم مهرماه مالباخته هنگام تردد در داخل پارک شهر به طور اتفاقی سارق را شناسایی کرد که در کنار مردی نشستند بود. او بلافاصله به کلانتری بازار رفت و به همراه مأموران به جایی که سارق را دیده بود، برگشت. بدین ترتیب متهم دستگیر شد.

در بررسی سوابق مجرم -۶۱ساله مشخص شد که او از مجرمان سابقه‌داری است که بیش از ۱۱ مرتبه دستگیر و روانه زندان شده است. متهم در بازجویی‌ها اعتراف کرد: یک سال پیش داخل پارک نشسته بودم که مردی کنارم نشست و به من پیشنهاد دوستی داد.

چند دقیقه بعد او دو نوشیدنی خرید و یکی را به من داد. به محض اینکه من آمبیوه را خوردم، بیهوش شدم و وقتی به هوش آمدم دیدم کنار صندلی پارک افتاده‌ام اما چون پول و اموال با ارزش نداشتم، چیزی از من سرقت نشده بود

و به خاطر همین از موقع تصمیم گرفتم به این شیوه و با استفاده از نوشیدنی مسموم سرقت کنم.

سرهنگ کارآگاه داوود فرد، رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران با اشاره به اعتراف متهم به سرقت‌های به عنف و سوابق او در ارتکاب جرائم مختلف از دستور انتشار بدون پوشش تصویر وی خبر داد و گفت: مالباختگانی که موفق به شناسایی تصویر متهم شده‌اند برای پیگیری شکایت خود به پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

جانشین فرمانده ناجا خبر داد

پیدا شدن سرنخ برای بازداشت عاملان اسید پاشی در اصفهان

ادامه تلاش‌ها برای بازداشت عاملان ۴اسیدپاشی

جانشین فرمانده نیروی انتظامی با تأیید چهار مورد اسیدپاشی به روی زنان و دختران در شهر اصفهان از ادامه تلاش‌ها برای بازداشت عاملان این حوادث خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین اشتری در حاشیه افتتاح سیزدهمین نمایشگاه تجهیزات فناوری‌های پلیسی، امنیتی و ایمنی ایپاس ۲۰۱۴ درباره اسیدپاشی بر روی دختران و زنان اصفهانی گفت: متأسفانه تاکنون چهار مورد اسیدپاشی گزارش شده است که با توجه به اطلاعات اولیه و سرنخ‌هایی به دست آمده، امیدواریم عوامل آن بازداشت شوند. جانشین فرمانده ناجا در پاسخ به این سؤال که قربانیان این حوادث از چه قشری هستند، ادامه داد: افرادی که مورد هدف اسیدپاشی قرار گرفته‌اند از قشر خاص یا تیپ ظاهری خاصی نبودند و پیگیری این پرونده‌ها در دست بررسی است.

در راه دندانپزشکی

هساراق ۲۵ساله و متاهل، چهارشنبه گذشته (۲۳مهرماه) هنگام رفتن به دندانپزشکی و پارک خودرواش در حوالی خیابان مهر هاد اصفهان از نسوی مهاجمان ناشناسی هدف اسیدپاشی قرار می‌گیرد. «علی-ع» همسر او در خصوص شب حادثه می‌گوید: حادثه حدود ساعت ۶بعد از ظهر اتفاق افتاده است، سارا مهاجمان را ندیده‌اما احتمالاً موتورسواری بوده‌اند. مرد جوان که به نظر هنوز شوکه است، ادامه می‌دهد: سارا در بخش مراقبت‌های ویژه بستری از ناحیه چشم چپ دچار آسیب جدی است. بینایی او کاهش یافته و پزشکان برای بررسی اسیدپاشی باید تا زمان از بین رفتن التهاب چشم منتظر بمانند